

# روزنامه همدان

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۹۹\_ ۲۳ ذیحده ۱۴۴۱\_ ۱۵ جولای ۲۰۲۰-شماره ۱۴۶۱ – سال ششم ۸صفحه – قیمت ۲۰۰۰ تومان – ضربیم کیفی ۶۷۴

hamdelidaily.ir    newspaper.hamdeli@gmail.com    سردبیر: فضل‌الله یاری

صاحب امتیاز ، مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان

چاپ: چاپ گلریز

نشانی: تهران- زرتشت غربی - نرسیده به بیمارستان مهر - پلاک ۵۶ - واحد ۲ تلفکس: ۰۲۱۸۸۹۶۴۵۳۳-۰۲۱۸۸۹۹۴۶۰۸

### فناور

## رونمایی ژاپن از نسل جدید قطار سریع‌السیر



ژاپن از نسل جدیدی از قطارهای سریع‌السیر خود رونمایی کرده است که می‌تواند در صورت بروز سوانح طبیعی، بدون نیاز به منبع انرژی بیرونی به مسیر خود ادامه دهند.

این قطار جدیدترین مدل قطارهای موسوم به شینکانسن به شمار می‌رود که مجهز به یک باتری درونی است. این باتری قطار را قادر می‌سازد تا در صورت بروز حوادث طبیعی همچنان به کار خود ادامه دهد. تعبیه باتری، به‌نحوی که بتواند قطار را برای حرکت در ادامه مسیر تغذیه کند، برای اولین بار است که انجام می‌شود.

تا پیش‌ازاین باتری قطارهای سریع‌السیر عمدتاً تنها می‌توانستند چراغ‌های اضطراری و تجهیزات ارتباطاتی و رادیویی را برای مدت معینی روشن نگه‌دارند. مسئولان پروژه گفته‌اند که قطار نسل جدید با استفاده از باتری جایگزین البته نمی‌تواند به حداکثر سرعت خود برسد، اما می‌تواند در صورت بروز سانحه طبیعی بدون نیاز به منبع انرژی خارجی مسافران را به ایستگاه بعدی یا یک محل امن برساند.

ژاپن ازجمله کشورهایی است که به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی خود عموماً با بلایای طبیعی همچون زلزله، طوفان و سونامی مواجه است.

قطارهای نسل جدید در اصل برای مسابقات المپیک ۲۰۲۰ توکیو طراحی شده بودند. هرچند این مسابقات به

### تکانه

## نگاهی به نقاشی کودکان و شخصیت‌شناسی آن‌ها

آن شخص زنده باشد.ممکن است شخصیت‌های دیگری به نقاشی‌های ثابت کودک نگاه اضافه شود که حتی حیوان هم باشد و او به کمک آن خواسته‌هایی را که نمی‌تواند بگوید به شکلی تخیلی واموَد کند. البته نیاز به گفتن این توضیح نیست که کودکان مناطق مختلف در این رابطه باهم تفاوت دارند و جغرافیا و محیط زندگی به‌علاوه شرایط مالی و روانی می‌تواند تعیین‌کننده نوع نگاه کودک به روابط خانواده و شکل‌گیری نقاشی‌های همدفند او بشود. مثلاً یک کودک آفریقایی با همسال خود که در اروپا زندگی می‌کند از زوایای متفاوتی به روابط خانواده نظر دارد. کودک عشایری با فرزند جامعه صنعتی در کشور خودمان هم به نسبتی مختلف این روابط را به تصویر می‌کشند. تحلیل این نقاشی‌ها به والدین و مربیان این امکان را می‌دهد که استعدادها و کمبودهای کودک را بهتر بشناسند و با توجه به این شناخت در جهت رفع نیازها و علایق او بکوشند. به این دلیل است که مطالعه سیر نقاشی از سنین دو، سه‌سالگی تا نوجوانی باعث می‌شود تا از یکسو شناخت عاطفی از آن‌ها پیدا شود و از طرف دیگر موانع رویه‌روی رشد کودکان و نوجوانان شناسایی شود. به نظر می‌رسد در کشور ما به‌اندازه‌ای که شناسایی خوبی به این مسئله اهمیت می‌دهند موضوع نقاشی کودکان جدی گرفته نمی‌شود و تنها به‌عنوان وسیله‌ای برای بر کردن اوقات فراغت و سرگرمی به آن نگاه می‌کنیم.

### داستانک

## شارلاتان

دقیقه‌ا پنج که گذشت، به وجدان مثبت‌بینم جرات دادم نگاهی به کوچه بیندازم؛ اگر بن‌بست بود که هیچی و اگر بن‌بست نبود که رو دست خوردم و خیلی خرم. دیدم، پله کوچه راه داره به کوچه‌ای عریض‌تر که به در بزرگ همین امامزاده وصل می‌شه و سر دیگر کوچه به همون خیابون اصلی که ازش اومدیم.

چنددقیقه‌ای صبر کردم شاید تو یکی از خونه‌های داخل کوچه باریک رفته باشه و بیاد اما نیامد و یقین پیدا کردم که نیامد. با این نیت که اقلأً ابروشو توی محله‌اش ببرم، جریسان رو برای دکندار و نانواپی‌ای که نان گرفته بود و کبابی سر خیابان که از اونجا غذا گرفته بود، تعریف کردم. گفتند نمی‌شناسیمش اما گاهی میاد اینجا.

با گفتن حواست باید جمع باشه از این ادما زیادن، اظهار همدردی کردند.

برگشتنی لابه‌لای ماشین‌های میوه ساز به پیرمرد افغانستانی که سمبوسه خوشمزه و آرزون می‌فروخت، برخوردم که گاری کوچکی داشت. دو تا سمبوسه هزار تومنی ازش خریدم و با سسسن فلفل تند گرم خوردن و تعریف کردن بودم که دوست بازیگرم که موتوری شده بود، زنگ زد و گفت: بیا پاتوق هنرمندان، گفتن نمی‌تونم جریان رو براش تعریف کردم و این که باید واسه جبران کار کم و خرت‌وپرت برای خونه بخرم. پیرمرد، سمبوسه دوم رو تو دستت نگه‌داشته بود تا تلفن تموم شد، قطع که شد سمبوسه رو دستم داد و دالسوزی گفت: بد روز گاری هسته، همه دروغ و دزد شدن، خدا پیغمبر نمی‌شناسن. موضوع رو از ترس سرزنش‌های همیشگی خونادم پنهنون نگه داشتم مگر این‌که برخلاف معمول به من نوشته‌هام اهمیت بدنند و بخوانند— که نمی‌دهند و نمی‌خوانند— و گرنه حقایق که پنهنون نمی‌مونه و وجدانم از این یابت بی‌در است.

### چهره

اتهاماتی از تبلیغ علیه نظام تا تشویق به فساد و فحشا

## دردسرهای یک نوشته حذف شده برای مولاوردی



تا این که روز گذشته برخی رسانه‌های اصول‌گرا از تایید حکم مجازاتی‌سی برای او خبر دادند. امسری که تعجب خود مولاوردی را برانگیخت که چگونه حکم‌اش قبل از آن که به دست خودش برسد، از این رسانه‌ها سر برآورد.

خبرگزاری فارس دو روز پیش خبر داد که «شهیندخت مولاوردی» معاون سابق رئیس جمهور در امور زنان و خانواده با شکایت دستگاه امنیتی و انتظامی کشور با سه عنوان اتهامی در دادسرای فرهنگ و رسانه مجرم شناخته شد و کیفرخواست نام‌برده صادر و جهت رسیدگی به دادگاه ارسال شد. براساس خبر

فارس مولاوردی در دادستانی با اتهامات فعالیت تبلیغی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی(ماده ۵۰۰)، تشویق به فساد و فحشا و فراهم نمودن موجبات آن (ماده ۶۳۹) و در اختیار قرار دادن اطلاعات و اسناد طبقه‌بندی شده با هدف بر هم زدن امنیت کشور(ماده ۵۰۵ قانون مجازات اسلامی) مجرم شناخته شد.

فارس یادآور می‌شود که مجازات مرتکبین جرائم مندرج در مواد ۵۰۵ و ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی تا ۱۰ سال حبس در نظر گرفته شده است.

مولاوردی در واکنش به کیفرخواستی که برایش صادرشده در کانال تلگرامی‌اش نوشت: «چه کسی باور می‌کند تصویر گرافیکی محذوف در پست کانال تلگرامیم که به مناسبت روز جهانی خانواده کار شده بود و فقط متفر بازدیدکننده داشت، مصداق «تشویق به فساد و فحشا» شناخته شود؟ به همین سادگی!» وی در بخش دیگری از توییت خود نوشت:«چه کسی پاسخگوی تعارض‌ها و تناقض‌هایی است که با دیدن این‌ن خبر در ذهن جوانانمان جوانه می‌زند؛ از یک طرف انفجار تبلیغات برای ترویج عفاف و حجاب این روزها و از آن طرف مقام مسئولی که با پوشش چادر متهم به تشویق به فساد و فحشا می‌شود؟ کدام را باور کنند؟»

مولاوردی سرانجام نوشت: «پناه بر خدا از چشمی که سوزن را در انبار کاه می‌بیند و سحرگاهان یک تصویر محذوف را با شش بازدیدکننده شکار می‌کند و بر آن اتهام تشویق به فساد و فحشا بار می‌کند، اما در روز روشن بر گم شدن اشترا ن با بارها دم فرو می‌بندد! آیا اشاعه‌دهندگان آن و خموشان این، مصداق بارز این

### کتابی

## مروری بر «خوشاوندی‌های اختیاری» اثر جنجالی «گوته»

شکل ممکن برقرار می‌شود. یک آموزش ناب، حتی برای تحصیل‌کرده‌های ادبیات و فلسفه و روانکاو. کلمات چنان جادویی هستند توگویی سخنی برتر از این‌که گوته می‌گوید وجود ندارد. خواننده باید همه آن را یاد گرفته و در زندگی خویش به‌کار گیرد.
جملاتی مانند: «استعداد پیش‌شرط کار است که باید به مهارت تبدیل شود» می‌تواند تبدیل به یک جمله کارکردی و ماندگار شود و هر کسی آن را پیش روی خود قرار دهد. جمله‌ای که می‌تواند زندگی یک فرد نابالغ را به‌کلی دگرگون کند اگر یک معلم دانا و اولیایی باهوش داشته باشد و مگر مسا از ادبیات چه می‌خواهیم جز این‌که با خواندن آن به‌غیراز سرشار شدن از لذت، گاهی نیز دستمان را بگیرد و به‌عنوان راهنمای آموزشی در مراحلی از زندگی عمل کند.
در کنار روایت رمان و آدم‌های داستان که شکلی از زندگی مدرن را نشان می‌دهد، رمان پیچیدگی‌های فلسفی خاص خود را همم دارد. گوته خواننده را با خود به زرفناترین مکان‌های خیالی می‌برد، یعنی هر آنجا که شاید لحظاتی خاص از زندگی، ما به آن فکر کرده‌ایم. قسمت‌های فلسفی داستان فضاهایی در ذهن می‌گشاید که



حسین اکوانیان نویسنده

نوشتن از گوته کاری پیچیده و سخت است، مخصوصا در مورد رمان «خوشاوندی‌های اختیاری» که سرآغاز سبکی جدید در رمان‌نویسی شد و باظرفت‌ها و پیچیدگی‌های خاص گوته در نوشتن همراه است.

«کاتارینا مزمن» بر ترجمه فارسی اثر نوشته است: «رمان گوته مبدأ یک سبک داستان‌سرایی در ادبیات جهانی شد و مادام بوری فولبر، انا کارنینا تولستوی به دنبال آن و با تأثیرپذیری از این اثر نوشته شدند. زمانی که توماس مان کوه جادو را می‌نوشت و بیش از آن، سرگرم نگارش مرگ در ونیز بود، در جست‌وجوی تعادل میان حسن و اخلاق رمان گوته را بیش از پنج بار خواند، مطلبی که به نظر وی در خوشاوندی‌های اختیاری به کمال نشسته است.»

گوته فضای این رمان را با سبک خاص خود به سستی هدایت می‌کند که انسان‌ها در زندگی روزمره به‌شدت نیازمند آن هستند. گفت‌وگوها بین افراد به بهترین

### جزئیات سعدی

که چون بدگهر پرورم لاجرم خیانت روا دارم در حرم برآورد سر مرد بسیاریان چنین گفت با خسرو کاردان مرا چون بود دامن از جرم پاک نباشد ز خبث بداندیش پاک به خاطر درم هرگز این ظن نرفت ندانم که گفت آنچه بر من نرفت

### مشق کلمات

**بی‌خانمان:**

کسانی که جایی برای خوابیدن ندارند یا در سکونتگاه‌های مجانی اقامت می‌کنند یا در اماکن عمومی که جای سکونت نیست می‌خوابند- مثل پارک‌ها یا ایستگاه‌های مترو.

**منبع: جامعه‌شناسی آنتونی گیدنز**

### حرت‌نویسیم

**بلادرنگ**

واژه درنگ فارسی است و آوَرَدن «بلا»ی عربی قبل از آن خلاف فصاحت است.

به‌جای آن بهتر است «بی‌درنگ» گفته شود.

**منبع: «غلط نویسیم» ابوالحسن نجفی**

### حافظه تاریخی

**عزل محمدعلی شاه از سلطنت**



بحران‌های متعدد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بیش از ۱۳ماه دوران حکومت محمدعلی شاه را آشفته و متزلزل کرد. تا ۱۰ماه پس از تخریب مجلس ملی، مشروطه‌خواهان تریز به جنگ نابرابر با نیروهای دولتی و گرسنگی درنتیجه کمبود آذوقه‌ادامه‌دادند. مجاهدین توانستند پیروزی‌هایی‌به دست بیاورند اما با بسته شدن جاده‌ها و محاصره کامل شهر مردم گرفتار قحطی شدند.نه‌تنها وعده‌های مکرر محمدعلی شاه در احیای مشروطیت هیچ تأثیری بر رهبران ملی و مردم نداشت، بلکه همه چاره استقرار آزادی و قانون را در فتح تهران می‌دیدند. این‌چنین بود که مشروطه‌خواهان در دو جبهه به تدارک سیاه پرداختند تا هم‌زمان به‌سوی تهران حرکت کنند. فرماندهی قشون اصفهان را مصمص‌السلطنه، خان بختیاری بر عهده داشت تا این‌که برادرش سردار اسعد به او پیوست و در رشت، نهضت ملی به کمک سپهدار اعظم (محمودلی‌خان تکنیکی) و بیرم‌خان ارمنی آماده حضور در تهران شد. بختیاری‌ها به سرکردگی مصمص‌السلطنه در اصفهان سر به شورش برداشتند و شهر را تصرف کردند. سردار اسعد بختیاری که در اروپا بود با آغاز شورش‌ها از راه خلیج‌فارس به ایران بازگشت و با تجهیز قشون اصفهان به‌طرف تهران حرکت کرد و در قم مستقر شد. خان بختیاری با رد ضمانت دولت‌های خارجی در برقراری نظام مشروطه، عزم راستخیز را در قیام علیه محمدعلی‌شاه و تصفیه عناصر استبدادی نشان داد. پیشنهادهای دولت انگلستان و روسیه که تحت تأثیر مفاد قرارداد ۱۹۰۷ میلادی مبنی بر اشتراک سیاسی بیان‌شده بود با مقاومت سردار اسعد مواجه شد. بدین ترتیب پیشنهاد جای خود را تهدید برای روزی نریرو از شمال ایران از طرف ارتش روسیه داد. در این هنگام نیروهای سپهدار اعظم به قزوين رسیدند و نمایندگان دو دولت برای جلب نظر فرمانده قوای شمال نزد او رفتند. جواب محمودلی‌خان تکنیکی همانند هم‌رزمش، عزیمت قطعی به سمت تهران بود. مشروطه‌خواهان رشت به‌رهبری بیرم‌خان ارمنی، میرزا حسین‌خان کسمایی و سردار محیی به «باغ مدیریه» رشت یورش بردند و حاکم مستبد و دست‌نشانده آن، آقا بالاخان سردار افخم را کشتند. هرچند محمودلی‌خان تکنیکی در محاصره تریز در کنار عین‌الدوله حضور داشت، اما با شدت گرفتن اوامر استبدادی محمدعلی‌شاه از قشون خارج شد؛ باین‌حال، پس از دریافت درخواست انقلابیون، با امتناع از ریاست نیروهای شمال، بی‌میلی خود را نسبت به مشروطه نشان داد. سرانجام انقلابیون توانستند به شیوه‌های مختلف او را همراه کنند قوای شمال در مسیر حرکت به تهران با نیروهای دولتی به فرماندهی «ابولسکی» روبه‌رو شدند و گریزی به‌شکست و عقب‌نشینی آزادخواهان نجامید. پیش از جنگ کوتاه قشون بختیاری با نیروهای قزاق، سردار اسعد به نیروهای سپهدار اعظم پیوست. نیروهای ملی با عملیاتی که نقشه آن توسط بیرم‌خان طراحی‌شده بود، از دروازه بجهت‌آباد وارد تهران شدند. سپهدار و سردار اسعد به مجلس ملی رفتند و نیروهای بیرم‌خان قزاق‌خانه را محاصره کردند. بانفوذ به‌تمامی نقاط شهر، فقط بخش مرکزی پایداری می‌کرد. نقاط قوت محمدعلی‌شاه، قصر قاجار و قزاق‌خانه بود و در تهران، جنگ خیابانی و گلوله‌باران ادامه داشت. کلنل روس که مقاومت را بی‌فایده دید، با دستور صریح سفارت روسیه، ناماهی به سپهدار اعظم نوشت و شرایطی برای تسلیم پیشنهاد کرد. هنگامی که خبر محاصره تهران و نفوذ تا منطقه مرکزی شهر به محمدعلی‌شاه رسید، او و درباریان در کاخ سلطنت‌آباد پناه گرفته بودند. روس‌ها که شرایط را بحرانی می‌دانستند از دخالت در امور داخلی ایران دست کشیدند. شاه چاره‌ای نداشت جز این‌که به سفارت روسیه پناهنده شود. ۲۵ تیر ۱۲۸۸ انقلاب مشروطیت که به‌ظاهر از دست‌رفته بود، جان دوباره گرفت. همان شب در مراسمی محمدعلی‌شاه از سلطنت خلع شد و پسر دوازده‌ساله‌اش احمدمیرزا به‌عنوان شاه تازه تعیین شد و عضدالملک نیابت سلطنت را به‌عنوان بزرگ خاندان قاجار بر عهده گرفت. محمدعلی میرزا با قرار دریافت مقرری با خانواده و ملازمانش از سفارت روسیه برای عزیمت به بندر «امسا» راهی ساحل دریای خزر شد و با کشتی خاک ایران را ترک کرد.

**منبع: تاریخ ایرانی**

**صنایع‌دستی** عشار **استان کهگیلویه و بویراحمد** از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و مثل دامپرووری یکی از **محورهای اصلی زندگی آن‌هاست.**

**میراث آریا**